

ذخیره دانشی (۳ از ۳)

جهان متجدد، بر اساس هویت دنیوی خود، فقط علم تجربی را دانش علمی می‌داند و علوم عقلانی و وحیانی را علم محسوب نمی‌کند.

در اوایل قرن بیستم میلادی عده‌ای در جهان غرب پیدا شدند که به جای «موضوع» بر «روش» علوم تأکید کردند. آن‌ها و علوم دینی را غیرعلمی دانستند و علوم انسانی و اجتماعی را فقط در صورتی که از روش تجربی استفاده کنند، علم تلقی کردند.

این رویکرد از نیمه دوم قرن بیستم با چالش‌های متعددی مواجه شد و کم‌کم در محافل علمی از رونق افتاد

تعاریف متفاوت و گاه متضادی از علم و تعارض در ذخیره دانشی باعث می‌شود:.

۱- ارتباط دو سویه دانش عمومی و دانش علمی قطع می‌شود؛ ۲- دانش عمومی به‌طور همه‌جانبه از دانش علمی حمایت نمی‌کند، ۳- دانش علمی از رشد و رونق لازم باز می‌ماند ۴- دغدغه و توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش عمومی را از دست می‌دهد.

ایده علوم انسانی و اجتماعی بومی (اسلامی و ایرانی) در کشور ما در ارتباط با چنین مشکلاتی مطرح شده است. ما دانشی می‌خواهیم که؛

❖ همسو با هویت فرهنگی خودمان و ناظر به حل مسائل جامعه ما باشد.

همچنین دغدغه کشف واقعیت و تشخیص درست و غلط داشته باشد.

دیدگاه اول تفاوت دانش علمی با **دانش عمومی** در روش آنهاست. دانش علمی تنها از راه حس و تجربه و به صورت نظام‌مند به دست می‌آید ولی دانش عمومی، دانش **حاصل از زندگی افراد** است که از راه **جامعه‌پذیری** و **فرهنگ‌پذیری** به دست می‌آید

دیدگاه دوم دانش حاصل از زندگی است انکار می‌کند و ادعا می‌کند کار دانش **حَلَق و بازسازی** است که انسان‌ها برای سامان دادن به زندگی خود تولید می‌کنند. برتری **دانش تجربی** بر دانش حاصل از زندگی را بی‌اعتبار می‌داند و به عکس **دانش عمومی** را پایه و اساس هرگونه دانشی از جمله **دانش تجربی** می‌داند.

دیدگاه سوم دانش علمی به **دانش تجربی** محدود نمی‌شود بلکه دانش‌های **فرا تجربی** مانند دانش‌های **عقلانی** و **وحيانی** را نیز شامل می‌شود دانش عمومی و دانش علمی رابطه متقابل دارند

مدرسه مجازی اینو